

سیاست‌ورزی جامعه محور

گفت‌وگو با: سعید حجاریان

شرق، ش ۸۶۰، ۸۶/۷/۲۹

چکیده: موضوع گفت‌وگو نقد آقای حجاریان در مورد اصلاح‌طلبان و موضع آنها در قبال سیاست‌های جاری در جامعه است. به نظر ایشان اصلاح‌طلبان فرصت‌های خویش را در تبدیل نیروهای اجتماعی به نیروهای سیاسی جهت رسیدن به اهدافشان از دست دادند. آنان به جای توجه به نیروهای اجتماعی و بسیج آنها (فشار از پایین) به چانه‌زنی با حکومت پرداختند و در نتیجه هم مردم را از دست دادند و هم توفیقی در چانه‌زنی به دست نیاوردند و موفق به تغییر خط‌مشی‌های حکومت نشدند. اصلاحات مُرد و برای سازماندهی مجدد و بازگشت به صحنه باید نیروهای اصلاح‌طلب غربال شوند و نیروها را از نو سازماندهی کنند.

اصلاح‌طلبان فکر می‌کردند می‌شود در بالا با مفاهمه و توافق (نمی‌خواهم بگویم زدوبند) اهداف را پیش برد، اما قدرت با مفاهمه صرف پیش نمی‌رود. به راحتی می‌توان کسی را که پایگاه اجتماعی ندارد «بفوت یتنقی» کرد.

○ دلایل دیگر استفاده نکردن از نیروهای اجتماعی توسط اصلاح‌طلبان چه بود؟

● دلیل دیگر به پویش کند تحولات اجتماعی در ایران برمی‌گردد. مردم خیلی نمی‌خواهند ریسک کنند و برای تغییرات هزینه دهند. آنها حداکثر پای صندوق‌ها رأی می‌دهند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الناس کرکب یسار بهم و هم نیام؛ مردم مانند کاروانیان خفته هستند، که آنها را به سمتی که خود از آن بی‌خبرند می‌برند.»

در مورد مسأله پرونده هسته‌ای، مردم دقیقاً مصداق این کلام حضرتند؛ زیرا نمی‌دانند چه

بازتاب اندیشه ۸۶

سیاست‌ورزی
جامعه‌محور

می‌شود و کاملاً بی‌خبرند. این به خاطر فشار معیشت و مشکلات روحی و روانی و افیون‌زدگی است.

○ در هدر رفتن فرصت سال‌های ۷۷ و ۷۸ که به نظر می‌رسید نیروهای اجتماعی آماده‌ی حمایت کامل از اصلاح‌طلبان بودند، نقش کدام یک بیشتر است؟

● نمی‌خواهم به مردم برجسب بزنم، چون مردم در جنگ و انقلاب هزینه‌های بسیاری متحمل شده‌اند. اما دو چیز را باید از هم جدا کنیم: ساختار و عامل. بعضی وقت‌ها ساختار جواب نمی‌دهد و عامل هر کاری کند فایده‌ای ندارد. بعضی وقت‌ها هم ساختار جواب می‌دهد، اما عوامل مفقود است. در دو سال اول اصلاحات ساختار جواب می‌داد، اما عامل نداشتیم. در مراحل بعد نه ساختار پذیرش داشت و نه عامل وجود داشت. هر وقتی که به چانه‌زنی در بالا گذشت تلف شد.

○ عوامل خارجی در این بین چه نقشی داشتند؟ آیا عوامل فاز در از دست رفتن فرصت سال‌های اولیه‌ی اصلاحات مؤثر بودند؟

● عامل خارجی یکی از دلایل بود. در آن مقطع محیط پیرامون خیلی دنبال سازماندهی مردم نبود، بلکه بیشتر به دنبال نوع خاصی از انقلاب مخملی و فرهنگی بود. امریکا می‌ترسید انقلاب سیاسی و مخملی تعمیق و به انقلاب اجتماعی تبدیل شود و کم‌کم علیه خود آنها عمل کند. ترس امریکا از انقلاب اجتماعی در ایران است، کار اجتماعی کار پر مشقت، خسته‌کننده و به اصطلاح کار دو نسل است. در ایران هم کار اجتماعی یعنی فعالیت در بخش‌های امدادی، صندوق قرض‌الحسنه، دبیرستان، آسایشگاه روانی و... که باید انجام شود. اصلاح‌طلبان پارلمانتاریستی شده‌اند و در حالی که گروه‌های اجتماعی زیادی در اقمار اصلاحات وجود دارد به آنها توجهی نشده است. مجمع تشخیص مصلحت مانند مجلس مؤسسان قانون اساسی شده با این تفاوت که نه تنها احتیاجی به رفراندوم ندارد، بلکه مستمر است؛ در حالی که مجلس مؤسسان بعد از یک دوره تفنین ملغی می‌شود.

بنابراین وقتی اصول قانون اساسی بی‌ارزش شده است، پارلمان چه محلی دارد؟ در این شرایط، پارلمان صرفاً فرصتی است برای گفتن برخی حرف‌ها، زیرا در زمان انتخابات به دلیل حاشیه‌ی امنیتی بیشتر می‌توان برخی حرف‌ها را گفت. بنابراین حضور در پارلمان چه فایده‌ای می‌تواند برای ما داشته باشد؟ بنابراین باید مأموریت حزب را تعریف کنیم. حزب چیست و چه باید بکند؟ به نظر من یکی از مأموریت‌های حزب کار اجتماعی است.

○ فرق رفرمرها با رفرمیست‌ها چیست؟

● گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلبان را تقسیم‌بندی کرده‌ام. برخی کانفرمیست (confirmist) (تأییدکنندگان وضعیت موجود) هستند، برخی رفرمر (Reformer) و برخی رفرمیست (Reformist). بحث رفرمرها تغییر در مصادق حاکمان است و تغییرات را در همین سطح پی‌گیری می‌کنند. می‌خواهند بگویند این آقا نباشد یکی دیگر باشد. چنین جریانی بین اصلاح‌طلبان وجود دارد. اما رفرمیست‌ها به ارتباط با جامعه و فعالیت اجتماعی اعتقاد دارند.

○ اگر الان اصلاح‌طلبان یا به طور خاص جبهه مشارکت تصمیم بگیرند کار اجتماعی انجام دهند و با پایگاه اجتماعی‌شان رابطه برقرار کنند، آیا اصلاً چنین پایگاهی برای آنها وجود دارد؟

● در ابتدا باید نیروهای اجتماعی به نیروهای سیاسی تبدیل شوند. مقداری از نیروهای اجتماعی باقی مانده‌اند و جبهه مشارکت نیرو و پایگاه اجتماعی دارد. نیروهای اجتماعی فعالی که وجود دارند، اصلاً نگاهی به قدرت ندارند و نمی‌خواهند تبدیل به نیروی سیاسی شوند یا از نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب حمایت کنند. عیبی ندارد اما آنها هم منفعی دارند و به خاطر آن به اصلاح‌طلبان رأی می‌دهند. آیا باید از نیروهای اجتماعی فعلی بخواهیم که باز هم از همان نیروهای اصلاح‌طلب سیاسی که تجربه فعالیت‌شان را در دوران اصلاحات داشته‌ایم حمایت کنند؟ آیا برای آنها بدیلی جز اصلاح‌طلبان وجود دارد؟ مهندسی کردن افکار عمومی، یعنی تبدیل نیروی اجتماعی به نیروی سیاسی.

موضوع بنیادی کشور ما دموکراسی است و در شرایط فعلی راه رسیدن به آن فشار از پایین چانه‌زنی در بالاست.

○ آیا مشارکت رفرمر است یا رفرمیست؟

● مشارکت کم و بیش رفرمیست است، البته گرایش رفرمر هم در آن وجود دارد. بله تعدادشان کم است. «اصلاحات مرد» به یک معنا به همین مفهوم است. متنها باید بقایای اصلاحات را دریابیم و سازماندهی مجدد کنیم و برنامه جدید و مؤثر ارائه دهیم. نکته مثبت این است که نیروهای خوبی وجود دارند که صادق و بااخلاق هستند. باید توجه داشت که نیروهای اجتماعی نمی‌توانند بدون نیروهای سیاسی موفق شوند. هنوز هم برخی از اقلشار، اقلیت‌ها و قومیت‌ها به نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب بیش از بقیه اعتماد دارند.

بازتاب اندیشه ۸۶

سیاست‌ورزی
جامعه‌محور

○ در مقاله «زنده باد اصلاحات» گفتید که نیروهای اصلاح طلب باید غربال شوند، این غربال چگونه باید انجام شود تا نیروهای رفرمیست به یک جریان منسجم تبدیل شوند؟

● خود مردم به خوبی می‌توانند غربال کنند، اما برخی اوقات مردم دچار شعارهای پوپولیستی می‌شوند و غربال کردن و تشخیص برای آنها به خصوص نسل جدیدتر، مشکل می‌شود. الآن هم غربال سخت شده است. الآن هم که ۲۸ سال از انقلاب گذشته و هر مقطع آن آزمایشی بوده است، می‌توانیم از نیروهای سیاسی بهر سیم در هر مقطع حساس و سرنوشت‌ساز پس از انقلاب کجا بوده‌اند و چه موضعی در قبال آن داشته‌اند. می‌توانیم صد موضوع را مدنظر قرار دهیم و در هر کدام از آنها موضع نیروهای سیاسی را بررسی کنیم.

○ شما به عنوان کسی که از تز «اصلاحات سیاسی متکی بر جامعه» یا «سیاست‌ورزی جامعه محور» در برابر اصلاحات پارلمنتاریستی صرف دفاع می‌کند، چه پیشنهادی برای عملی شدن این تز دارید؟

● باید نیروها را سازماندهی کرد، باید تلاش کرد سازمان‌های توده‌ای را گسترش داد.

● اشاره

محمدحسن روزبه

۱. آقای حجاریان در این گفت‌وگو از تئوری فشار از پایین و چانه‌زنی در بالای خویش که در ابتدای کار اصلاح‌طلبان مطرح کرده بود دفاع می‌کند. ایشان روشن نمی‌کند که در این تئوری به دنبال چیست؟ چانه‌زنی برای تحقق کدام اهداف صورت می‌گیرد؟ به تعبیر دیگر، اهداف چانه‌زنی را روشن ننموده است. تنها در اواخر گفت‌وگو اشاره می‌کند که به نظرش موضوع بنیادی کشور ما دموکراسی است و این تئوری را برای رسیدن به آن تجویز می‌کند؛ لکن مشخص نمی‌کند از کدام دموکراسی و با چه مؤلفه‌هایی سخن می‌گوید؟ آیا منظورشان دموکراسی آمریکایی و انگلیسی و به طور کلی برخی کشورهای غربی با مبانی معرفتی و هستی‌شناختی و انسان‌شناختی مادی‌گراست؟

۲. ایشان در بخشی از گفت‌وگو به گونه‌ای از آمریکا سخن می‌گویند که چنین القا می‌کند موافق طرح دموکراسی‌سازی آمریکا در ایران است و تنها تاکتیک آنها را مبنی بر به راه انداختن انقلاب مخملی ناکارآمد می‌داند.

۳. مشخص نیست اصلاح‌طلبان به دنبال چه نوع اصلاح و تغییر در جامعه بودند که مردم حاضر به پرداخت هزینه آن نشدند. البته شاید بتوان از آنجا که آن را با انقلاب اسلامی مقایسه می‌کند چنین استنباط کرد که به دنبال اصلاحات بنیادین در اصول و پایه‌های نظام و جامعه بودند.

۴. به نظر می‌رسد عدم همراهی مردم با اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی از نوع امریکایی آن به این دلیل بود که مردم ایران اعتقادات مذهبی عمیقی دارند و نمی‌توانند با اندیشه‌هایی همراه شوند که مادی‌گرا بوده و ترویج مادی‌گرایی می‌کنند و شاید به همین سبب است که ایشان تز ایجاد تحولات اجتماعی قبل از مذاکره با قدرت و حاکمان را برای اصلاح‌طلبی و دموکراسی خواهی مطرح کرده است؛ زیرا بدون وجود بستر اجتماعی لازم، نیروی سیاسی پشتیبان طرح‌ها و نظرات آنان فراهم نمی‌شود. همان‌گونه که در جریان پس از دوم خرداد این امر روی نداد.

۵. دموکراسی بریده از مبانی و معارف اسلامی که در نشریات و سخنرانی‌های برخی اصلاح‌طلبان مطرح می‌شد با مردم‌سالاری دینی مورد تأیید مردم که در جریان انقلاب اسلامی به آن رسیدند در تضاد قرار داشت و به همین سبب مورد حمایت آنان نبود. ایشان و برخی گمان کردند که اگر مردم اعتراضی دارند و انتقادی به عملکردها و برخی مسئولین وارد می‌کنند از اصل نظام برگشته‌اند و لذا فضا را برای طرح ایده‌های خود فراهم دیده و از مردم انتظار داشتند همان فداکاری که برای پیروزی انقلاب و دفاع مقدس کردند برای طرح‌های آنها نیز از خود نشان دهند؛ چون با آنها همراه نشده‌اند متهم می‌شوند به غیر سیاسی بودن و اقیون‌زدگی. در حالی که اگر مردم می‌خواستند با چنین تفکراتی همراه شوند از قبل از انقلاب و در مقاطع مختلف تاریخ مثل مشروطیت و پس از آن نهضت ملی نفت و در جریان مبارزات انقلابی خویش از روحانیت و امام خمینی (ره) می‌بریدند و به آنان می‌پیوستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی